

سنگ بست مشهد

آرامگاه ایاز عارف

(زنده در اواخر قرن چهارم - هـ.ق)

تحقیق و تألیف:

مهدی قربانی «انیس الکتاب»

www.ketab.ir

شابک

۹۷۸۶۰۰۶۵۹۵۴۹۸:

شماره کتابشناسی ملی

۴۱۶۹۲۰۷:

عنوان و نام پدید آور: سنگ بست مشهد: آرامگاه ایاز عارف (زنده در اواخر قرن ۴ هـ - ق) / تحقیق و تألیف مهدی قربانی «انیس الکتاب».

مشخصات نشر

مشهد: قاف مشهد الرضا (ع)، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری

۶۴ ص.: مصور (رنگی).

موضوع

عارف، ایاز

موضوع

عارف، ایاز — آرامگاه

رده بندی دیسی

۹۹۸/۲۹۷:

رده بندی کنگره

۱۳۹۴ ق ۴/ع ۳/۳۵۵ BP

سرشناسه

قربانی، مهدی، ۱۳۳۳ -

وضعیت فهرست نویسی: ف



انتشارات قاف
مشهد الرضا (ع)

ناشر: انتشارات قاف (مشهد الرضا (ع))

عنوان کتاب: سنگ بست مشهد (آرامگاه ایاز عارف)

تحقیق و تألیف: مهدی قربانی

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه / رقعی

نوبت چاپ اول: ۱۳۹۵

چاپخانه: دانشگاه فردوسی مشهد

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شابک: ISBN: 978-600-6595-49-8

حق چاپ محفوظ است.

نشانی: مشهد، تلفکس: ۳۷۶۶۱۲۵۵ - ۰۵۱ - همراه: ۰۹۱۵۳۲۶۳۴۲۶

مقدمه	۶
فصل اول: معرفی مقبره سنگ‌بست مشهد و مدفون آن	۱۱
معرفی مقبره سنگ‌بست	۱۱
بنای تاریخی سنگ‌بست و شخصیت مدفون در این مقبره	۱۳
تعریف کلمه‌ی انا؛ در لغت و فرهنگ	۱۴
روایت شکافن قبر اياز (نیش قبر)	۱۵
شکل و شمایل مدفون در مقبره اياز	۱۸
دیدار و گفتگوی سلالان محمد غزنوی با اياز	۱۹
نظریه‌ای درباره‌ی تاریخ رسته بون اياز	۲۲
ارسالان جاذب و رباط سنگ‌بست	۲۴
فصل دوم: مقاله‌ای درباره‌ی رابطه‌ی تاریخی حم مطهر رضوی با بقعه‌ی سنگ‌بست (مشهد)	۲۷
فصل سوم: راهنمای بازدید از بنای تاریخی سنگ‌بست	۴۵
فصل ضمیمه: پیشنهاد و مکاتبات مؤلف درباره احداث سنگ‌سلام (در تپه سلام)	۵۳
تپه سلام (امامزاده ابراهیم)	۵۳
منابع و مأخذ	۶۳

مقدمه

فَالْصَّادِقُ هـ : «الْعَارِفُ شَخْصُهُ مَعَ الْخَلْقِ وَ قَلْبُهُ مَعَ اللَّهِ لَوْ سَهَا قَلْبُهُ عَنِ اللَّهِ طَرَفَةً
عَيْنٍ لَمَاتَ شَوْقًا إِلَيْهِ»

...«لَهِ» بر ایما گرفته‌اند: آنان که تو را شناختند تنها جسمشان در دنیا با مردم و قلبشان همبسته نزد تو حاضر است و اگر لحظه‌ای از تو چشم فرو بندند روحشان از شوق دیدار در قلب جسم تاب نیاورد.

«وَالْعَارِفُ آمِنٌ وَذَمُّهُ وَكَرُّهُ أَمْرٌ آثَرُهُ وَمَعْلِنُ أَنْوَارِهِ»^۲

و گفته‌اند: آن‌ها که آهن و مس و مایع و جامد و مخزن اسرار و معدن انوارت شده‌اند، آن قدر بر عبودیت که هدف و غایت خلقتشان بود پای فشردند تا به گُنه و حقیقت آن دست یافتند و محبت تو در سراسر وجودشان رسوخ کرد تا آن جا که تو نیز آنان را به دوستی پذیرفتی و به واسطه این کلام شریف امام صادقان شدند که:

«وَلَا مُؤْنَسَ لَهُ سِوَى اللَّهِ وَلَا نُطْقَ وَلَا إِشَارَةَ وَلَا نَفْسَ يَلْبِغُ بِهِ اللَّهُ وَمِنَ اللَّهِ وَمَعَ اللَّهِ فَهُوَ فِي رِيَاضِ قُدْسِهِ مُتَرَدِّدٌ»^٢

آری اسراسر وجودشان از تو لبریز شد و نطق و اشاره و نم‌هایشان از تو، با تو و برای تو شد و در ریاض قدست منزل و مأوا گزیدند.

١- مصباح الشريعة و مفتاح الحقیقه، ص ١٩١ .

۲- همان مآخذ پیشین ص ۱۹۱.

۲- همان مآخذ پیشین ص ۱۹۱.

سایه یزدان بود بنده خدا مرده این عالم و زنده خدا
کیف مد الظل نقش اولیاست کو دلیل نور خورشید خداست^۱
حضرت استاد آیت الله حسن حسن زاده آملی^۲ در کتاب ارزشمند هزار و یک کلمه، جلد اول^۳ آورده اند:

«...بدان که انسان کامل کل مشیه الله است، این مظهرتان مشیت و اختیار الهی صاحب ولایت کلیه است که دارای رقائق صفات حق تعالی و محل ظهور تجلی جمیع احوال کمالیه الهیه است.

و به عبارت آخری انسان کامل خلیفه الله است، و خلیفه باید به صفات مستخلف عنه و در مقام او باشد. پس وجود انسان کامل ظرف همه حقائق و خزائن اسماء الله است.

و این اسماء الله اعیان حقائق نوریه از هستی اند نه اسمای لفظی، لاجرم صاحب این مقام دارای ولایت تکرینی است که مفاتیح غیب- یعنی همان حقائق نوریه - در دست اوست، و می تواند با اذن و مشیت الهی تصرف در کائنات کند، بلکه در موطن و وعای خارج از بدن خود انشاء و ایجاد نماید، و موجودات خارجی به منزلت اعضای وی و خود او به مثابه جان آن ها گردد، زیرا که نفس ناطقه انسانی جوهر مجرد قائم به ذاتش و خارج از بدن محیط و مستولی بر آن است و تعلق تدبیری و تصرف در بدن دارد، بنابراین همه تفاوت که بدن خود را در تدبیر و تصرف خود بدارد یا اعیان خارجی دیگر را هر گونه معجزات و کرامات و خارق عادات های انسان های کامل همه از این جهت و بدین سبب است.

ظهور معجزات و کرامات و مطلق خوارق عادات از انسان، مثل پدید آمدن دیگر چیزها، بدون واسطه عامل و اسباب نیست. و این واسطه، نفس انسانی

۱- مثنوی معنوی، دفتر اول، آیات ۴۲۶-۴۲۵.

۲. فرازی از کلمه ۱۱۵ ص ۱۶۸

به اذن الله تعالى است.

و این اذن الله اذن قولی و ارج متعارف در محاورات شفاهی نیست، بلکه، اذن الله به معنی واقعی تکوینی آن است بدان نحو که اقتضای وجود صمدی است، و موحد به توحید قرآنی بدان آگاه است، چه این که نفس ناطقه انسانی در مسیر تکامل و اشتداد وجودی به جایی می‌رسد که همان‌طور بدن و قوای او در اطاعت او می‌باشند، موجودات عالم همه به منزلت اعضاء و جوارح او می‌گردند، و ماده کائنات مطیع او می‌شود که تواند در آن‌ها تصرف کند.^۱

و نیز آورده است: «در احادیث اهل عصمت و طهارت وارد است که «قبورنا قلوب من والنا» و این قبورنا قلوب شیعتنا»

و نیز می‌فرماید: «آن که انسان در این نشأ می‌بیند همه در عالم مثال اوست که ماده وئی در حقیقت مثال آن در صقع نفس رائی مشاهده است، نه نفس ماده. و به عبارت دیگر آن چه را مدارک و مشاعرت در می‌یابند، در واقع مدرک حقیقی حقیقت توانست که نفس ناطقه توست. یعنی زبان چشمنده است به این معنی که نفس چشمنده است بر این موطن، و علی التحقیق تمام ادراکات به علم حضوری است حتی ادراکات بخصوصه، حال اگر اهل اشارتی روایات وارده در سرازیری قبر و فشار قبر را مسائل در قبر و دیگر اموری که به قبر اسناد می‌یابد از این قبیل بدان، یعنی آن احوال و احوال یاد شده بر حقیقت شخص وارد است که ادراکات اوست ولی در مثال نمثلاً صقع خیال خود همه را در عالم قبرش می‌بیند اما قبر او یعنی قبر مربوط به شخص او که متمثل و متحقق در صقع نفس او و عاء ادراک اوست که اگر چنان چه زنده‌ای را با او در این قبر خاکیش که نموداری و رسمی و اسمی از قبر حقیقی اوست

۱- هزار و یک کلمه، آیت‌الله حسن حسن زاده آملی، ج ۱، فرازی از کلمه ۱۱۵ ص ۱۶۸.

۲- هزار و یک نکته، آیت‌الله حسن حسن زاده آملی، ج ۲، ۲۰۱، نکته ۷۵۹.

۳- هزار و یک نکته، آیت‌الله حسن حسن زاده آملی، ج ۲، ۲۰۱، نکته ۷۵۲.

بگذارند، این زنده هیچ یک از آن احوال را نمی بینند و نه می شنود زیرا این قبر ترابی خارجی نمودار، ظرف عذاب یا ثواب مرده نیست بلکه ظرف ثواب و عقاب را در قبر خودش می بیند. یا اگر مرده مؤمن و کافری هر دو را در یک قبر بگذارند، برای آن قبرش «رَوْضَةٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّةِ»^۱ است، و برای این قبرش «حُفْرَةٌ مِنَ حُفْرِ النَّارِ»^۲ است، چون قبر هر یک جز دیگری است اگر چه هر دو در یک قبر مقبورند.

و اما مشایخ می پرسند: اولیاءالله مختلف اند، بعضی بی صفت اند و بی نشان، و بعضی به صفت اند و بعضی از صفات نشان مند گشته اند. مثلاً گویند اهل معرفت یا اهل معارف یا از اهل محبت یا اهل توحیداند و کمال حال و نهایت درجات؛ اولیاء را در بی صفتی و بی نشانی گفته اند، بی نشانی اشارت به کشف ذاتی است که بس مقام بلند و درجهای بس رفیع است و عبارت و اشارت از کُنهِ آن مرتبه قاصر است.

«ابوعبدالله سالمی را پرسیدند که به چه چیزی شناسند اولیاءالله را در میان خلق؟ گفت: به لطافت زبان و حُسن اخلاق و تازِ روئی و سخای نفس و قلتِ اعتراض و پذیرفتن عذر هر که عذر خواهد پیش ایشان و تسبیح شفیقت بر همه خلق از نیکوکار ایشان و بدکار ایشان. و هم وی گفته که دبار منب کلید دوستی است. وی صاحب کتاب قوت القلوب است که مجمع الاسرار طبع شده است»^۳
آری! در طول تاریخ بوده اند مردانی از جنس جهاد گران نفس که با یک کلمه ای نیک و بزرگ گردیده اند، ولی تاریخ نامشان را به کلی فراموش کرده است و از

۱- الإمام الصادق (ع): إِنَّ الْقَبْرَ كَلَامَا فِي كُلِّ يَوْمٍ، يَقُولُ: أَنَا بَيْتُ الْغُرَبَاءِ، أَنَا بَيْتُ الْوَحْشَةِ، أَنَا بَيْتُ الدُّوْدِ، أَنَا الْفَقِيرُ، أَنَا رَوْضَةٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّارِ. (الكافی: ۲/۲۴۲/۳). ترجمه: امام صادق (ع) قبر هر روز صحبت می کند و می گوید: من خانه غریبم، من خانه تنهایی ام، من خانه کرم ها هستم، من فقیرم، من باغی از باغ های بهشت یا گودالی از گودال های دوزخم.

۲- نفحات الانس من حضرات القدس، شیخ احمد جامی، ص ۱۱۹.

۳- نفحات الانس من حضرات القدس، شیخ احمد جامی، ص ۱۲۱.

آنان آن چنان که در خور شأن و مقامشان بوده یاد نکرده است. در مقابل مثال شهرت‌های دروغین و شخصیت‌های ساختگی نیز کم نیست، علت آن است که وقایع نگار دیروز، وقایع را معمولاً از دید و به سود آن کس می‌نگاشت که در خدمت او درآمده بود و خود نیز همیشه از تعصبات قومی و دینی و سیاسی بری نبود.

از این رو به طور قطع یقین می‌توان گفت آن چه تاکنون درباره‌ی مدفون مقبره‌ی سنگ‌بست مشهد گفته شده غیر از آن است؛ زیرا در واقع‌هی دستبرد به قرائن، تیره حقایقی آشکار گردیده است.

آن چه گذشته پیش درآمده بود به مناسبت مقام عرفانی و روحانی «ایاز عارف» که ز او اواخر قرن چهارم هجری در مقبره‌ی سنگ‌بست مشهد آرمیده بود تا این که غافل برداشته و سبب حاکم میراث فرهنگی و هویت ملی، جسد مطهر و تر و تازه‌ی وی را به بیست و نه قرن از دفنش گذشته، از قبر او ربودند و قطعاً عذاب دنیوی و اخروی را به او تحمیل خود خریدند.

البته باید گفت کار نگارنده‌ی این سطور به عنوان محقق تنها نوشتن و باز گویی گفته‌ی گذشتگان نیست، بلکه پس از تحقیق درباره‌ی مقام «ایاز عارف» واقع‌هی دستبرد به قبرش را از زبان کسانی که او را در مرحله‌ی اول دستبرد تجدید کفن نموده و دفن کردند شنیدیم، به نحوه و تحلیل مطالب پرداخته و این تحقیق را مستند و مصور تقدیم علاقه‌مندان می‌نمایم. امید است روح پر فتوح ایاز عارف در دنیا و آخرت کسانی را که در این راستا تلاش نموده‌اند تا حقایق گفته شود، یاری نماید. انشاءالله تعالی.

تراب اقدام اولیاءالله، اقل العباد

مهدی قربانی «انیس الکتاب»

مشهد مقدس رضوی، تابستان ۱۳۸۳ هـ.ش